

اعظم آیات قرآن (بسمله)* در نگاه مذاهب اسلامی

علیرضا حیدری نسب

عضو هیأت علمی گروه الهیات دانشگاه سیستان و بلوچستان

چکیده

مسلمانان با وجود اختلاف در دیدگاه‌های (فقهی-کلامی) بر وثاقت کتاب اسلام اتفاق نظر دارند. البته این اتفاق نظر به معنی نگاه یکسان و یکنواخت به این کتاب مقدس نیست.

یکی از موارد تفاوت مربوط به آیه بسم‌الله الرحمن الرحیم در آغاز سوره‌هاست؛ ملاحظه می‌گردد برخی آن

* - در برخی اخبار از "بسم‌الله الرحمن الرحیم" یا عنوان "اعظم آیه" یاد شده. به عنوان نمونه: روی آن‌النبی (ص) قال لابی بن کعب ما اعظم آیه فی کتاب الله تعالی؟ فقال: بسم الله الرحمن الرحیم فصدقہ النبی (ص) (روایت شده که پیامبر (ص) از ابی بن کعب پرسیدند اعظم آیات قرآن کدام است؟ گفت: بسم‌الله... حضرت هم وی را تصدیق نمودند. الرازی، محمد بن الحسین (فخرالدین)، التفسیر الکبیر، ۳۲ جزء فی ۱۶ مجلد؛ مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۱۳. ه. ق. الطبعة الرابعة، جلد ۱، ص ۱۹۸. از امام صادق (ع) در نگویش مردم به خاطر ترک بسمله آورده‌اند که فرمود: "ما لهم قاتلهم الله عمدوا الی اعظم آیه فی کتاب الله... (آنها را چه شده؟ خدایشان بکشد، آهنگ اعظم آیات کتاب خدا را کردند... ر. ک. العیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر (تفسیر عیاشی) مکتبه العلمیه الاسلامیه، بی تا، دو جلد، ج ۱، ص ۲۱.

را آیه‌ای برای هر سوره، برخی دیگر آیه‌ای مستقل برای قرآن و گروه سوم غیر آیه و... می‌بینند. هر گروه برای خود استدلال‌هایی برگرفته از روایات یا احیاناً از قرآن ارائه می‌کنند که در خور بررسی است. ذکر این نکته حائز اهمیت است که اصحاب مذاهب علی‌رغم اختلاف رأی در جزئیت بسمله از سوره‌ها - به هر دلیل - برآوردن آن در نماز متفق القول هستند. آنچه از مجموع دلایل - قرآنی، روایی و... برمی‌آید قول به قرآنی بودن و جزئیت آن از سوره‌ها - جز برائت - است که با عنایت به اجماع عملی امت بر ثبت و قرائت آن در قرآن از صدر تا کنون این قول پذیرفتنی‌تر می‌نماید.

اما اینکه چرا با توجه به پداهت و اهمیت مطلب آرای گوناگونی درباره بسمله پدیدار شده جوابش را باید در بهره‌مندی متفاوت صحابه از محضر پیامبر (ص)، عدم ثبات شخصیت برخی صحابه خاصه تأثیرپذیری آنان از معاویه - که در برابر امام علی (ع) اصرار بر ترک بسمله داشت - جستجو نمود.

به نظر می‌رسد برای یافتن سخن درست از میان اخبار رویارو و متفاوت در این باب باید آن اخبار را بر قرآن عرضه و از موضع عترت (اهل بیت ع) پیروی نمود.

مقدمه

قرآن کریم اساس شریعت اسلام، قانون اساسی آن، عروه الوثقی و محور وحدت مسلمانان است؛ تقریباً تمامی اصحاب مذاهب با وجود تفاوت رأی در برخی زمینه‌ها بر حجیت و تحریف‌ناپذیری آن اتفاق نظر دارند. با همه این اوصاف درنگ در نگرش‌های مختلف و بررسی آن در رابطه با این معجزه جاوید بی‌مناسبت نیست؛ بویژه اگر به قصد تنویر اندیشه‌ها و تصحیح باورها انجام گیرد. در این مقاله تلاش می‌شود آرای مشهور در ارتباط با بسمله در آغاز سوره‌ها طرح و بررسی گردد؛ امید آنکه این کار گامی هر چند کوتاه در جهت شناخت عمیق‌تر این مسأله قرآنی باشد.

از ملاحظه نقل‌های گوناگون به روشنی استفاده می‌گردد که "بسم الله الرحمن الرحيم" به اجماع و اتفاق مسلمانان در سوره نمل و وحی نازل قرآنی و قسمتی از آیه (۳۰) این سوره

می‌باشد اما در اینکه آیا "بسمله" در آغاز سوره‌ها هم وحی نازله قرآنی و آیه است یا نه برای اصحاب مذاهب آرای مطرح است که در این مختصر فقط به مشهورترین آن آرا اشاره نموده تلاش خواهیم کرد ضمن مقایسه این آرا سخن درست معلوم آید و در ادامه به حکم قرائت آن در نماز خواهیم پرداخت.

مشهورترین آرا در باره بسمله

ابن کثیر می‌نویسد: صحابه کتاب خدا را با "بسمله" آغاز نمودند و دانشمندان اسلامی بر اینکه آن، قسمتی از آیه (۳۰) سوره نمل باشد اتفاق نظر دارند آنگاه اختلاف کرده‌اند که آیا بسمله در آغاز هر سوره نیز آیه است و یا جزء هر سوره‌ای که در اولش مکتوب شده، می‌باشد (یا نه) یا آنکه قسمتی از آیه اول هر سوره بوده و یا تنها در آغاز فاتحه چنین می‌باشد و دیگر قول اینکه فقط برای فاصله انداختن بین سوره‌ها نوشته شده نه اینکه آیه باشد (در این جهت) اقوالی وجود دارد...^(۱)

حدود ده قول در این جهت وجود دارد^(۲) که در اینجا تنها چند قول معروف تر ارائه می‌گردد:

از نظر گروهی آیه‌ای قرآنی برای فاتحه و تمامی سوره‌هایی است که با آن آغاز گشته - خواه آیه‌ای مستقل برای سوره‌ها یا قسمتی از آیه نخست آنها باشد - این، اتفاق نظر شیعه در پیروی از امام علی (ع) است^(۳)؛ ابن عباس، ابن مبارک، اهل مکه چون: ابن کثیر، اهل کوفه چون: عاصم، کسانی و دیگران جز حمزه؛ غالب اصحاب شافعی نیز بر این رأی بوده^(۴) از ابن عمر، ابن زبیر، ابوهریره، و از تابعان، از عطاء، طاووس، سعید بن جبیر، مکحول و زهری نیز همین مطلب حکایت شده؛ احمد بن حنبل (در روایتی از وی)، اسحاق بن راهویه و ابو عبید قاسم بن سلام^(۵) هم بر این باور بوده‌اند. بیهقی این سخن را از ثوری و محمد بن کعب^(۶) نقل نموده است.

مرحوم طبرسی می‌نگارد: اصحاب ما (شیعه) اتفاق دارند که "بسمله" آیه‌ای از سوره حمد و همه سوره‌هاست و هر کس آن را در نماز ترک کند نمازش باطل است؛ چه نماز واجب باشد و چه مستحب و دیگر اینکه جهر خواندن آن در نمازهای جهریه واجب و در اخفاتیه مستحب است.^(۷)

فخر رازی بر همین قول بوده آن را به قراء مکه، کوفه و بیشتر فقهای حجاز و... نسبت می‌دهد می‌نویسد: "شافعی (ره) گفته: بسم الله الرحمن الرحيم آیه‌ای در آغاز فاتحه بوده واجب است با آن قرائت گردد؛ جز این هم از شافعی نقل شده."^(۸) برخی اصحاب شافعی و حمزه آن را فقط در سوره فاتحه آیه دانسته‌اند و در جای دیگر نه؛ این قول هم چون قول قبلی به احمد بن حنبل نسبت داده شده است.^(۹)

شیخ اکبر محی‌الدین عربی نیز گوید: "بسمله بر اساس نظر دانشمندان، بدون تردید آیه قرآن است و تکرارش چون تکرار کلمات مکرر در قرآن می‌باشد."^(۱۰) جلال‌الدین سیوطی این را برگزیده و بر آن ادعای تواتر معنوی روایات را نموده است.^(۱۱)

برخی آن را آیه‌ای قرآنی که جزء حمد و سوره‌ها باشند نمی‌دانند گروهی از اینان گویند: بسمله آیه‌ای مستقل برای قرآن بوده جزء هیچ سوره‌ای - نه فاتحه و نه سوره‌های دیگر که در آغاز آنها آمده - نیست؛ تنها برای بیان آغاز سوره‌ها، تیمن و تبرک و برای فاصله انداختن بین سوره‌ها آمده است. آلوسی این را سخن اهل مدینه چون مالک، شامیان چون اوزاعی، قراء بصره چون ابو عمر و یعقوب و قول مشهور مذهب حنفی می‌شمرد.^(۱۲)

بعضی آن را آیه‌ای مستقل در آغاز سوره‌ها که جزء آن سوره نیست شمرده‌اند؛ این‌کثیر از داوود چنین نقل کند: "بسمله آیه‌ای مستقل در آغاز هر سوره بوده نه اینکه جزء آن سوره باشد؛ از ابن حنبل نیز روایت شده که ابوبکر رازی این قول را از ابوالحسن کرخی حکایت نموده و این دو از بزرگان اصحاب ابوحنیفه‌اند."^(۱۳)

گروهی بر این باورند که بسمله اصلاً آیه قرآن نیست و صرفاً به منظور فاصله انداختن بین سوره‌ها و برای تبرک نوشته شده همانطور که برای آغاز هر کاری بسمله را می‌آورند. در کشف آمده که قراء مدینه، بصره و شام و فقهای آنها بر این باورند که آن در آغاز فاتحه و دیگر سوره‌ها آیه نمی‌باشد و فقط جهت فاصله و تبرک نوشته شده... مذهب ابوحنیفه و پیروانش نیز (به نقل از زمخشری) همین بوده لذا در نماز به صورت جهر نمی‌آوردند. (۱۴)

امام فخر رازی می‌نویسد: برخی فقهای حنفی گفته‌اند: ابوحنیفه و یارانش از پرداختن به این مسأله پرهیز می‌کرده، ورود در آن را امری عظیم که شایسته است درباره‌اش سکوت کرد، تلقی می‌نموده‌اند. (۱۵) وی می‌افزاید: مالک و اوزاعی ذکر کرده‌اند: بسمله جز در سوره نمل قرآنی نیست لذا اعتقاد داشتند که نه به صورت جهر و نه اخفات - جز در ماه رمضان - خوانده نمی‌شود. (۱۶)

ذکر و بررسی دلایل هر گروه

پس از طرح دیدگاهها اینک لازم است به مبنای باورها و میزان استواری آن در جزئیت یا عدم جزئیت بسمله بپردازیم: از جایی که در این مقاله ذکر همه استدلالها و اقوال رویارو ممکن نیست؛ به بحث از دلایل تحت دو عنوان (قائلان به جزئیت و نفی کنندگان آن) پرداخته دستداران تفصیل را به برخی منابع ارجاع می‌دهم: (۱۷)

الف - سخن قائلان به جزئیت بسمله از سوره‌ها

۱- تگارش آن با خط و رنگ خط قرآن: نخستین و مهمترین دلیل این گروه بر جزئیت بسمله از قرآن، جزئیت از فاتحه و دیگر سور کتابت آن با خط و رنگ خط قرآن، ثبت و قرائت آن در آغاز سوره‌ها جز سوره براءت می‌باشد؛ گویند: امت بطور اجماعی معتقد است آنچه فیما بین دفتین (دو جلد) قرآن ثبت شده - بدون کم و زیاد- قرآن و وحی قرآنی می‌باشد.

در ضمن از دلایل تحریف‌ناپذیری قرآنی نیز در این زمینه سود می‌برند. (۱۸)

شیخ طوسی آن را آیه‌ای از حمد و هر سوره‌ی دیگر دانسته چنین استدلال می‌کند... دلیل قرآنی بودن بسمله اینکه صحابه آن را در قرآن با همان خطی که مصحف را نوشتند ثبت کردند؛ در صورتی که از ثبت (تقسیم‌بندیهای قرآن به) یک دهم و یک پنجم قرآن به آن خط خودداری نمودند...

در ادامه انکار جزئیت آن از فاتحه را به دلیل آمدن الرحمن الرحیم در این سوره ناپجا شمرده تکرارش را چون تکرار آیه "لَا اِلَهَ اِلاَّ اَنْتُمْ عَابِدُونَ مِنْ اَعْبُدُ" در سوره کافرون می‌شمرد. (۱۹)

زمخشری در این باره از قول قائلان به جزئیت می‌نویسد: "آورده‌اند که گذشتگان بسمله را با وجود سفارش به جدا نمودن غیر قرآنی از قرآن در مصحف ثبت نموده‌اند و آمین را به دلیل قرآنی نبودن نوشتند؛ پس اگر آن، جزء قرآن نمی‌بود به اثباتش نمی‌پرداختند." (۲۰)

فخر رازی در اثبات جزئیت بسمله هفده دلیل ذکر می‌کند. برخی از دلایل وی قابل جمع و دلایل دیگر یا اعم از مدعا و یا احیاناً مبهم است ولی برخی از آنها که روشن‌تر و محکم‌تر است ملاحظه می‌گردد:

وی در دلایل ششم و هفتم بر اثبات جزئیت می‌نویسد:

دلیل ششم: بسمله با خط قرآن نوشته شده و آنچه غیر قرآنی است با خط قرآن نوشته نمی‌شود؛ آیا نمی‌بینی بزرگان از نوشتن اسامی سوره‌ها و همچنین از درج علامتهای یک دهم و یک پنجم در قرآن جلوگیری نمودند؛ تمامی هدف از این کارها آن بود که از مخلوط شدن غیر قرآن با قرآن جلوگیری کنند؛ بنابراین اگر بسمله از قرآن نبود هرگز آن را با خط قرآن نمی‌نوشتند و هرگز بر نوشتن آن با خط قرآن اجماع نمی‌نمودند؛ پس (از این رفتار) معلوم گردد که آن قرآنی است. (۲۱)

دلیل هفتم: اجماع مسلمانان بر این که آنچه میان دو جلد قرار دارد سخن پروردگار است و بسمله بین دو جلد قرار دارد؛ پس لازم است آن را سخن خدا بدانیم... (۲۲)

فخر در تفسیر آیه ۹ سوره حجر "انا نحن نزلنا الذکر... جزئیت بسمله از سوره‌ها را لازمه قول به تحریف‌ناپذیری قرآن شمرده که اگر جز آن گفته شود تحریف قرآن لازم می‌آید؛ اصحاب ما (شوافع) گفتند: در این آیه دلالت محکمی است بر اینکه بسمله آیه‌ای از اول هر سوره است زیرا خداوند متعال و عهدهء حفظ قرآن را داده و حفظ معنا ندارد جز اینکه آن از کم یا زیاد محفوظ بماند و اگر بسمله قرآنی نباشد هرگز قرآن از تغییر در امان نمانده و اگر این گمان که صحابه چیزی بر قرآن افزوده‌اند روا باشد پس چنین جایز است آنان چیزی را از قرآن حذف کرده باشند، که این موجب می‌شود قرآن از حجیت بیفتد. (۲۳)

شیخ ابوالفتوح رازی ثبت بسمله در قرآن را دلیل آشکاری بر جزئیت آن از قرآن دانسته می‌نویسد: "اما دلیل بر مذهب صحیح از این مذاهب چند چیز است: یکی آن که به اتفاق و اجماع امت این آیت در سوره النمل از قرآن است، گویند برای آنکه در مصحف یافتیم نبشته به خط مصحف به رنگ سواد بر وجهی که هیچ مخالفت و فرق و تمیز نبود... در مورد آغاز سور نیز چنین است و اگر نباشد پس می‌توان آیه‌ها از قرآن بیرون آورد و حکم این آیت حکم آیات مکرر است در قرآن چنان که در سوره الرحمن و المرسلات و جز آن. طریقی دیگر اعتباری آن است که ما یافتیم در مصحف چیزهایی که نه از قرآن است چون ذکر اختلاف قراء، و ذکر عدد آیات و اخماس و اعشار و لکن روانداشتند که به خط مصحف و سواد او بنویسند جز به خمره و خضره و صفره (۲۴) و جز آن از رنگها تا فرق باشد و اشتباه نیفتد و بر این اجماع کردند." (۲۵)

صاحب المنار نیز دلالت (ثبت در) مصحف را قوی‌ترین دلیل و برهانی قاطع بر جزئیت دانسته نگاهشته که بر قرائتش اجماع عملی قائم است. "قوی‌ترین دلیلی که اثبات می‌کند بسمله آیه‌ای از فاتحه است نگارش آن در نسخه اصلی و رسمی مصحفی است که خلیفه سوم بر اساس رأی صحابه به مناطق مختلف فرستاد. امت اسلام بر (قبول) آن اجماع نموده و تا امروز همه مصحفهای متواتر مانند آن (دارای بسمله) است. همانطور که علامه

عضد گفته نگارش (در مصحف) دلیلی عملی است. تمامی مردم آگاه و متمدن این روزگار نیز بر همین رأی هستند؛ هیچ دلیلی نزد آنان قوی‌تر از (دلیل) نگارش رسمی و در ادامه اتفاق نظر قاریان بر قرائت در آغاز فاتحه نمی‌باشد. اگر چه بعضی آن را آیه‌ای مستقل پنداشته‌اند که این هم رأی است اما آنچه مهم می‌نماید روش عملی است. و هنگامی که یک روش عمومیت و شیوع داشت از قوی‌ترین دلایل محسوب می‌شود..."

اضافه می‌کند: "در نفی و اثبات بسمله احادیث آحادی (غیرمتواتری) وارد شده که هر کس از آن به نفع مذهب خود بهره می‌برد که اگر آن احادیث وجود نداشت حتماً همه بر یک رأی می‌شدند چرا که ثبت بسمله در آغاز فاتحه در همه مصحفهای مورد اجماع و متواتر حجتی است قطعی که احادیث آحاد - حتی اگر دارای سند صحیح باشند - نمی‌توانند در برابرش عرض اندام کند." (۲۶)

کلام قرآن پژوه معاصر آیه الله خوبی (ره) نیز در این جهت قابل عنایت است؛ آنجا که می‌نویسد: "بدون تردید مصحفهای صحابه و تابعان، قبل و بعد از جمع عثمانی دارای بسمله بوده و اگر این جزء آن نبود در مصحفهایشان ثبت نمی‌کردند چرا که صحابه از درج غیر قرآن در مصحف مانع شدند تا جایی که برخی پیشینیان از نقطه‌گذاری و درج حرکت در مصحف جلوگیری کردند بنابراین ثبت بسمله در مصاحف اینان گواهی است از سویشان بر قرآنی بودن آن و اینکه (تکرارش) مانند برخی آیات تکراری در قرآن می‌باشد." (۲۷) می‌افزاید: "با این حال احتمال اینکه نوشتن بسمله برای فاصله انداختن بین سوره‌ها بوده هم باطل می‌گردد. و اینکه (گفته شود) بسمله به قصد فاصله نوشته شده با کتابت آن در آغاز فاتحه و نیامدن در آغاز برائت منافات داشته، باطل می‌گردد چرا که اگر چنین بود باید برعکس می‌شد (در اول فاتحه نمی‌آمد و در آغاز برائت می‌آمد) و این بطور قطع دلالت دارد که بسمله آیه‌ای است نازل شده در آغاز فاتحه که در آغاز برائت نازل نگشته." (۲۸)

ایشان در جای دیگر نوشته‌اند: به تحقیق سیره مسلمانان و التزام آنان به خواندن بسمله در آغاز سوره‌ها جز برائت را نشان می‌دهد و بطور متواتر ثابت گشته که پیامبر (ص) آن را قرائت می‌نمودند. چنانچه بسمله جزء قرآن نبود بر پیامبر اکرم (ص) لازم بود بدان تصریح کنند؛ چرا که قرائت ایشان- در حالی که در مقام بیان بوده- ظهور در جزئیت دارد؛ یعنی آنچه می‌خوانند قرآنی است و اگر برخی از آنچه قرائت می‌نمودند غیر قرآنی بوده و ایشان هم بدان تصریح نفرموده باشند آن عمل از ناحیه حضرت حتماً مصداق اغراء (واداشتن) به جهل و زشت بوده، چنین رفتاری در ارتباط با وحی زشت‌تر می‌نماید. اگر فرض شود پیامبر (ص) آن (غیر قرآنی بودن بسمله) را اعلام فرموده در آن صورت بطور متواتر به دست ما می‌رسید در حالی که آنچه رسیده اخبار آحاد است.^(۲۹)

اسد حیدر از دانشمندی عامی مذهب به نام شیخ محمد رشید نقل می‌کند که گفت: "حق آشکار با کسانی است که می‌گویند بسمله جزء فاتحه بوده قرائتش واجب است زیرا نه در امور مربوط به شریعت ما و نه در میان آنچه بشریت از پیشینیان نقل کرده‌اند چیزی صحیح‌تر از نقل قرآن وجود ندارد؛ آنطور که آن را به نگارش درآورده و هزاران نفر خاصه در عصر نزول به حفظ آن پرداختند و در ادامه هم هر کس به دین اسلام مشرف شد، نسل در نسل به حفظ آن اقدام کرد..."^(۳۰)

افزون بر آنچه ذکر شد ملاحظه و بررسی علت نیامدن بسمله در آغاز سوره برائت به روشن شدن بحث کمک می‌کند. آن طور که نقل می‌شود عموم صحابه در مصاحف خود بسمله را در آغاز برائت ثبت نکرده بودند. خلیفه سوم هنگام توحید مصاحف سوره برائت را پس از انفال و بدون بسمله آورد، برخی از صحابیانی از خلیفه سبب آن را خواستند وی پاسخ داد: "هر گاه بر پیامبر (ص) چیزی از قرآن نازل می‌شد ایشان کاتبی را خواننده می‌فرمودند: این آیات را در سوره‌ای که چنین و چنان آمده بگذارید و انفال از نخستین سوره‌هایی بود که در مدینه نازل شد و برائت از آخرین سوره‌ها؛ داستان این سوره به آن

سوره شباهت داشت، گمان کردم این جزء آن است پیامبر (ص) از دنیا رفت و برای ما بیان نکرد که جزء آن است یا نه، لذا این دو را به هم نزدیک کرده میان آنها "بسم الله الرحمن الرحيم" را ننوشتیم.^(۳۱)

ملاحظه می‌گردد آوردن بسمله مطابق اصل تلقی شده و نیابردن آن دلیل می‌خواست. لذا عثمان نگفت که بسمله قرآنی نیست، بلکه عدم اعلام پیامبر (ص) را دلیل کار خود شمرد.^(۳۲)

۲- اخبار و روایات: اخبار زیادی بر قرآنی بودن بسمله دلالت دارد؛ بر جزئیت آن از فاتحه نیز روایات کثیره‌ای وارد شده اما در اینکه آن، آیه‌ای از سوره‌های دیگر هم باشد صراحت و کثرت اخبار به اندازه اخبار قرآنی بودن یا جزئیت آن از فاتحه نمی‌رسد. کثرت اخبار وارده در این جهت تا جایی است که سیوطی آن را در حد متواتر معنوی شمرده است.^(۳۳) به چند خبر گزیده عنایت کنید:

الف- احادیث اهل‌البیت (ع): لزوم پیروی از اهل‌البیت (ع) مورد اجماع روایات صحیح است؛ به عنوان نمونه می‌توان از حدیث ثقلین یاد نمود که پیامبر (ص) هدایت و عدم گمراهی را در چنگ زدن به قرآن و عترت معرفی نموده آنان را همتای قرآن شمرده‌اند. مصادیق اهل‌البیت (ع) نیز با توجه به آیت تطهیر و حدیث کساء آنطور که عموم صاحبان صحاح و مفسران (در تفسیر آیه مباحله) آورده‌اند روشن است؛^(۳۴) بنابراین با توجه به جایگاه رفیع آنان ابتدا به نقل اخباری از اهل بیت پیامبر (ص) که بر جزئیت آن اجماع دارند پرداخته در ادامه چند حدیث از اهل سنت در این رابطه ذکر می‌کنم:

۱- قیل لامیر المؤمنین (ع) اخبرنا عن بسم الله الرحمن الرحيم اهی من فاتحه الكتاب؟ قال: نعم، کان رسول الله (ص) یقرءها و یعدها آیه منها و یقول فاتحه الكتاب هی السبع المثانی...

به امیر المؤمنین (ع) گفته شد آیا بسمله جزء فاتحه است؟ فرمود بلی! پیامبر آن را

می خواند و یک آیه از سوره به حساب آورده می گفت: فاتحه الكتاب همان سبع المثانی است. (۳۵)

۲- کتب الی ابی جعفر (ع)؛ جعلت فداک ما تقول فی رجل ابتدا بسم الله الرحمن الرحیم فی صلاته وحده فی ام الكتاب فلما صار الی غیر ام الكتاب من السوره ترکها؟ فقال العباسی لیس بذالك باس فکتب بخطه یعیدها مرتین - علی رغم انه یعنی العباسی.

به امام باقر (ع) نوشته گفتم فدایت شوم در باره کسی که از نماز فقط در آغاز فاتحه بسمله گوید و در آغاز دیگر سوره ها آن را ترک می کند چگونه حکم می کنید؟ عباسی گوید اشکال ندارد، پس امام (ع) با خط خود دوبار نوشت: آن را به رغم رأی عباسی اعاده می کند. (۳۶)

۳- محمد بن مسلم قال سألت ابا عبدالله (ع) عن السبع المثانی و القرآن العظیم أهی الفاتحه؟ قال نعم، قلت بسم الله الرحمن الرحیم من السبع المثانی؟ قال نعم هی أفضلهن. محمد بن مسلم گوید از امام صادق (ع) در مورد سبع المثانی و قرآن عظیم پرسیدم که آیا آن از فاتحه است؟ فرمود بلی! گفتم: بسم... از سبع المثانی است؟ گفت: بلی! آن برترین آیاتش باشد... (۳۷)

۴- در نزول اولین آیات در کافی چنین آمده است: عن ابی عبدالله (ع) قال: اول ما نزل علی رسول الله (ص) بسم الله الرحمن الرحیم اقرأ بسم ربک الذی خلق و آخره اذا جاء نصر الله و الفتح.

امام صادق (ع) فرمود نخستین آیه ای که بر پیامبر نازل شد بسم الله... و آخرین آنها اذا جاء... می باشد. (۳۸)

ب- احادیث عامه: احادیث اهل سنت در این جهت نیز چون روایات اهل بیت صریح و به تعبیر سیوطی در حد متواتر معنوی است که چند نمونه ارائه می گردد:

۱- در نزول کوثر صاحبات صحاح، مسانید و تفاسیر به اتفاق آورده اند که این سوره با

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ نازل گشته است: آنس، قال بینا رسول الله (ص) بین اظهرنا اذاغنی غفائه ثم رفع رأسه متبسما فقلنا ما اضحكك يا رسول الله رسول الله؟ قال انزلت علی آنفا سورہ فقرا بسم الله الرحمن الرحيم انا اعطيناك الكوثر...

انس گوید: پیش پیامبر (ص) بودیم که به حالت ویژه وحی فرو رفته آنگاه در حالی که تبسم داشت سرشان را بلند کردند. پرسیدیم پیامبر! چه چیز تو را به خنده آورد؟ فرمودند: الان بر من سوره ای نازل شد. پس خواندند بسم الله الرحمن الرحيم انا اعطيناك الكوثر... (۳۹)

۲- برخی اخبار که نخستین آیه نازله را بسمله شمرده. سیوطی نویسد: اولین آیه نازله بسم الله... است، ابن نقیب این را در مقدمه تفسیرش یک قول دانسته و احدی با اسنادش از عکرمه و حسن آورده که گفته اند: اولین آیه نازله بسم الله... و اولین سوره نازله سوره اقرأ... می باشد، سیوطی در ادامه می نویسد: این سخن نزد من یک قول مستقل درباره اولیه آیه نازله به حساب نمی آید چرا که بطور ضروری و حتی بسمله همراه هر سوره ای نازل شده بنابر این بسمله مطلقاً نخستین آیه نازله محسوب می شود. (۴۰)

قرطبی، ربیع، آغاز و حتی بر پیامبر (ص) گوید: پیامبر (ص) برخی حوادث و مسائل را مشاهده می کردند با ورقه در میان گذاشته ورقه به ایشان گفت هنگامی که خبری به گوش تو می رسد آرام بگیر و بمان تا آنچه می گوید بشنوی سپس بیا و به من خبر ده و چون خلوت نمودند جبرئیل ندا داد: یا محمد قل بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين. (۴۱)

در نزول سوره علق علاوه بر شیعه اهل سنت نیز شروع با بسمله را روایت کرده اند و همین نیز باید صحیح باشد. (۴۲)

۳- آنچه دار قطنی با سند صحیح از علی (ع) آورد که: سئل علی عن السبع المثاني فقال الحمد لله رب العالمين فقل بسم الله الرحمن الرحيم آیه. (۴۳)

از علی (ع) درباره سبع المثانی سوال شد فرمود: همان سوره حمد است گفته شد حمد

که شش آیه دارد فرمود: بسم الله... هم یک آیه است.

۴- روایت صحیح دارقطنی از ابوهریره که گفته: قال رسول الله (ص): "اذا قرأتم الحمد فاقروا بسم الله الرحمن الرحيم فانها ام القرآن و ام الكتاب و السبع المثاني و بسم... احدی آیاتها". (۴۴)

پیامبر (ص) فرمودند: "هر وقت حمد را قرائت کردید بسم الله... را هم قرائت کنید چرا که حمد ام القرآن، ام الكتاب و السبع المثانی است و بسم الله... یکی از آیاتش می باشد." دارقطنی گفته: "رجال آن همه ثقه اند." (۴۵)

همچنین نقل دیگر از ابوهریره چنین است: الحمد لله رب العالمين سبع آیات احدهن بسم الله... و هي السبع المثاني و القرآن العظيم و هي ام القرآن و هي فاتحه الكتاب". (۴۶)

۵- حدیث ابن عباس که پایان سوره ای و آغاز سوره دیگر دانسته نمی شد تا بسم الله نازل می گشت. ملاحظه کنید: "قال كان النبي (ص) لا يعرف فصل السوره حتى تنزل عليه بسم الله الرحمن الرحيم". (۴۷)

در نقل دیگر روایت فوق چنین آمده: "...فيعرف ان السوره قد ختمت و ابتدأت سوره اخرى". (۴۸)

همچنین از ابن عباس ذکر شده: "كان المسلمون لا يعلمون انقضاء السوره حتى تنزل بسم الله... فاذا نزلت بسم الله... علموا ان السوره قد انقضت. حاكم این حدیث را به شرط شیخین صحیح شمرده." (۴۹)

۶- فخر رازی با عنایت به آیه اقرأ باسم ربك... ظهور امر را در وجوب آن عمل دانسته. (۵۰) حدیثی که دستور می دهد هر کاری را با نام خدا آغاز کنید، همچنین زوایاتی که شروع نکردن کار با را موجب ابتر بودن آنها شمرده در این جهت قابل استحضار است، از جمله: "عن النبي (ص): كل امرئى بال لا يبدأ فيه بسم الله فهو ابتر و جدم... مضافاً اینکه نماز ستون دین بوده نیاوردن بسمله در آغازش موجب خلل و بی نتیجه بودن آن

می‌گردد. (۵۱)

ب- منکران جزئیت بسمله از سوره‌ها

این گروه در مقابل، ضمن پاسخ دادن به استدلال‌های گروه اول به طرح مطالبی در تأیید سخنان خود پرداخته‌اند که عمدتاً بر اخبار متکی است. دسته‌ای از اینان اخباری که سخن از شروع قرائت نماز با الحمد لله... دارد را بر اخفات بسمله و آشکار نخواندن آن حمل نموده بعضی دیگر این نمونه اخبار را به معنای عدم ذکر بسمله و قرآنی نبودن آن دانسته‌اند.

آلوسی پس از ذکر دلایل فخر رازی بر جزئیت بسمله گوید: "به برخی از این دلایل، جواب داده شده و برخی از آنها برای ما دلیل به حساب نمی‌آید زیرا قول درست مطابق مذهب ما آنکه بسمله آیه‌ای قرآنی و مستقل است گرچه قسمتی از فاتحه نباشد... برخی از دلایل فخر رازی تنها قرآنی بودن بسمله و اینکه آغازگر قرآن باشد را اثبات می‌کند تا جزئیت آن از فاتحه را؛ برخی ضعف دارد، بعضی از اخبار ممکن است اجتهاد ابن عباس باشد و برخی هم چون فخر حافظ (وکارشناس در اخبار) نبوده آن گونه که وی استفاده می‌کند درست نمی‌نماید."

در پاسخ به مهمترین دلیل گروه اول - ثبت در مصحف و سیره مسلمین در خواندن بسمله - می‌نویسد: "این دلیل بیشتر بر قرآنی بودن بسمله دلالت دارد تا جزئیت آن از فاتحه... هر کس به احادیث بنگرد شایسته نیست در قرآنی بودن بسمله توقف کرده یا وجوب قرائتش را منکر گشته آن را از سنت ببیند گرچه این وجه هم توجیهش به فضل خدا برایم ممکن است ولی من آن را نمی‌پذیرم. اخفای بسمله در نماز جهریه دلیل بر آن که قرائتش در نماز بر اساس سنت باشد نمی‌شود چه آنکه واجب دانستن با مخفی خواندنش منافات نداشته، بر اساس پیروی از پیامبر (ص) می‌باشد زیرا از ابن عباس رسیده که پیامبر (ص) تا آخر عمر بسمله را آشکار نخواند و همچنین مراد روایات منقوله از انس که گوید

پشت سر پیامبر (ص) و سه خلیفه نماز خواندم و نشنیدم بسمله را قرائت کنند، نفی قرائت نیست بلکه قرائتش به اخفات است: آن طور که در جای دیگر لایجهرون (آشکار نمی کردند) و در روایت طبرانی "کان یسر" (مخفی می کرد) آمده و آنجا که گوید از الحمد لله شروع کن یعنی آشکار کن و بسمله را مخفی نما:» (۵۲)

یکی از شبهات در جزئیت بسمله اینکه ممکن است گفته شود قرآن منحصرأً از راه تواتر ثابت شده است و هر چه در ثبوتش نزاع واقع شود قرآنی نیست؛ درباره بسمله اختلاف واقع شده پس قرآنی نیست!

چند نمونه از روایات وارده در عدم جزئیت بسمله را با اندکی توضیح و تفسیر ملاحظه می کنیم:

الف - از عایشه نقل است که پیامبر (ص) نماز را با تکبیر و قرائت آن را با الحمد لله رب العالمین شروع می کرد. (۵۳)

ب - انس بن مالک گفت: پشت سر پیامبر (ص) و سه خلیفه نماز خواندم. ایشان نماز را با الحمد... شروع می کردند. و مسلم افزوده: "نه در اول و نه در آخر قرائت، بسمله را ذکر نمی کردند." (۵۴)

ج - حدیث ابوهریره که بسیاری آن را نقل نموده اند و در آن حمد به دو قسمت تقسیم شده؛ نیمه ای برای بنده و نیمه ای برای خدا؛ ابوهریره می گوید: "...از پیامبر (ص) شنیدم که فرمود: ... پروردگار گوید: صلوات (سوره حمد) را میان خود و بنده ام به دو نیم کردم و بنده ام هر چه خواهد طلب کند؛ پس هنگامی که بنده ام الحمد لله رب العالمین گوید پروردگار فرماید: بنده ام مرا ستایش کرد و هنگامی که الرحمن الرحیم گوید پروردگار متعال می فرماید: بنده مرا ثنا گفت و هنگامی که گفت مالک یوم الدین گوید: بنده ام مرا گرامی داشت و یک بار هم فرمود: بنده ام کارش را به من واگذار کرد؛ وقتی که بنده /ایک نعبد و /ایک نستعین را خواند گوید: این سخن بین من و بنده ام بوده و او هر چه خواهد می تواند

طلب کند...^(۵۵) کارشناس علوم قرآنی و اصولی برجسته معاصر، آیه الله خوئی (ره) در پاسخ به شبهه عدم تواتر بسمله می نویسد:

"الف- اینکه بسمله قرآنی است بطور متواتر از اهل بیت (ع) رسیده و در تواتر هم بین اینکه از پیامبر (ص) یا از اهل بیت پاکش (ع) رسیده باشد- پس از آنکه وجوب پیروی از اهل بیت (ع) معلوم گردید فرقی نیست.

ب- اگر عده اندکی به خاطر شبهه ای بسمله را از قرآن ندانستند ضرری به تواتر آن نمی زند. در صورتی که عده کثیری از صحابه آن را قرآنی شمرده، و روایات در این باب متواتر معنوی است.

ج- از پیامبر (ص) به صورت متواتر نقل شده که ایشان هر وقت قرآن می خواندند بسمله را هم قرائت می کردند و حضرت محمد (ص) - در حالی که در مقام بیان شریعت و قرآن بود- بیان نکردند که بسمله از قرآن نیست و این بطور قطع بر قرآنی بودن آن دلالت دارد. بله، از این اخبار، جزئیت بسمله برای هر سوره معلوم و ثابت نمی گردد که برای اثباتش روایات (اخیر)^(۵۶) اهل بیت (ع) کافی است چه رسد به روایات زیادی که از هر دو طریق آمده و جزئیت با خبر واحد صحیح هم ثابت می گردد؛ در این جهت هیچ دلیلی بر لزوم تواتر وجود ندارد."^(۵۷)

درباره احادیث عائشه، انس و ابوهریره باید گفت معنا و مراد این نمونه اخبار به فرض درستی سند لزوماً نبودن بسمله از فاتحه نیست. درباره خبر اول ممکن است منظور از الحمد لله سوره فاتحه بوده لذا مراد چنین باشد: پیامبر (ص) در قرائت نماز سوره فاتحه را می خواندند و یا اینکه حضرت بسمله را با اخفات می آورده و دیگران نمی شنیده اند و یا اینکه راوی از این تعبیر بخش مختص سوره را در نظر آورده است.

در مورد روایت انس علاوه بر آنچه در قبل آمد باید اضافه شود که این خبر با آنچه به صورت مستفیض از خود وی در آوردن بسمله نقل شده مخالف است. درباره روایت مسلم

که از نیاوردن آن در اول و آخر سوره حکایت دارد در سندش "ولید بن مسلم القرشی" قرار دارد که در وثاقتش تردید شده بلکه تعدادی از علما به زیادی خطا و تدلیس وی تصریح نموده‌اند. (۵۸)

در خصوص خبر سوم مبنی بر مساوی بودن قبل و بعد "ایاک نعبد..." در وثاقت راویش - علاء - اختلاف است؛ دیگر آنکه اگر دلالتش درست باشد با برخی روایات صحیح که گوید فاتحه هفت آیه است مخالفت دارد سوم آنکه در این خبر دلیلی بر تقسیم بر اساس الفاظ وجود ندارد در حالی که ظهورش در تقسیم بر اساس معناست - بخشی مربوط به پرورگار و بخشی مربوط به بنده. چهارم، حتی اگر بپذیریم بر اساس الفاظ تقسیم شده به کدام دلیل بر اساس آیات باشد؟ شاید بر اساس کلمات باشد چرا که کلمات دو طرف "ایاک نعبد..." با احتساب بسمله و حذف مکررات ده تا می‌شود. (۵۹) مضافاً اینکه اخبار فوق با روایات اهل بیت (ع) مخالف است، با روایات متواتر معنوی اهل سنت نیز ناسازگار می‌باشد که برخی از آنها با سند صحیح روایت شده... همچنین مخالفت اینها با استبضاح صحابه از عثمان در علت نیاوردن بسمله در آغاز برائت و با آنچه بین مسلمانان مشهور بوده نیز جای عنایت دارد آنجا که بر معاویه فروگذاری آن را ایراد گرفتند.

حکم بسمله در نماز

علی رغم وجود دیدگاههای مختلف به نظر می‌رسد عموم اصحاب مذاهب در عمل، بر خواندن آن در نماز اتفاق دارند. آلوسی می‌نویسد: بیشتر حنفی‌ها خواندن بسمله در نماز را واجب می‌بینند، زیلعی در شرح کنز گوید سخن صحیح‌تر آنکه خواندن آن (در نماز) واجب است و زاهدی از مجتبی آورده که روایت درست، وجوب خواندن آن در هر رکعتی که قرائت واجب دارد می‌باشد و منقول از ابوحنیفه نیز همین است... (۶۰)

مالک بن انس قرائت بسمله را به خودی خود مکروه می‌شمرد ولی برای خروج از

(احتمال ارتکاب) خلاف مستحب می‌دید. (۶۱)

به دنبال بحث از جزئیت بسمله و لزوم یا عدم لزوم خواندن آن در نماز و پس از اتفاق بر اینکه باید بسمله در نماز خوانده شود مسأله دیگری مطرح می‌گردد و آن اینکه باید به صورت جهر خوانده شود یا اخفات؟ کیفیت خواندن بسمله به نحوه باور در جزئیت یا عدم جزئیت آن از سوره‌ها بستگی دارد ابن کثیر می‌نویسد: آشکار خواندن بسمله فرع بر نحوه اعتقاد درباره آن است؛ اما آنها که بسمله را جزء نخستین این سوره می‌دانند در چگونگی قرائت اختلاف کرده‌اند؛ شافعی (ره) معتقد است بسمله را در آغاز حمد و سوره باید به جهر خواند. گروه‌هایی از صحابه، تابعان و پیشوای مسلمانان - اعم از پیشینیان یا پسینیان - بر همین باور بوده‌اند لذا صحابیانی چون ابوهریره، ابن عمر، ابن عباس و معاویه (شاید در مرحله‌ای چنین می‌کرده) به جهر می‌خواندند، ابن عبدالبر و بیهقی از عمر و علی همین را نقل نموده؛ خطیب بغدادی نیز همین را از چهار خلیفه و تابعان آن آورده است (سپس گروه کثیری را نام می‌برد). (۶۲) آرای معروف در این زمینه چنین است:

الف - وجوب جهر در نمازهای جهریه و استحباب آن در نمازهای اخفاتیه. شیعه امامیه بر همین رأی است. شیخ طوسی نوشته: به جهر خواندن بسمله در نمازهای جهریه واجب و در نمازهای غیر جهریه مستحب است. (۶۳) صاحب مجمع البیان نیز همین را ذکر نموده. (۶۴)

شافعیه نیز بر این عقیده‌اند، زمخشری در ادامه سخن از جزئیت بسمله از تمامی سوره نویسد: به دلیل اعتقاد به جزئیت بسمله، شافعی و اصحابش آن را آشکار (جهر) ادا می‌نموده‌اند. (۶۵)

فخر رازی بر لزوم جهر به بسمله در نماز شش دلیل آورده، گوید: وقتی ثابت شد بسمله از فاتحه است هر حکمی که این سوره داشت آیه‌اش هم دارد؛ ذکر خدا بهترین و برترین اذکار برای بنده است، این ذکر موجب افتخار، فضیلت و منقبت می‌شود چگونه

عقل اخفاتش را شایسته بدانند؟^(۶۶)

ب- در برابر، برخی بزرگان مذاهب به لزوم اخفات بسمله حتی در نمازهای جهریه حکم نموده‌اند، آلوسی می‌نویسد: اینکه بسمله را باید با اخفات آورد و پس از آن را آشکارا ادا نمود مذهب ثوری. ابن مبارک، ابن مسعود، ابن زبیر، عمار یاسر، حسن بن ابی‌الحسین، شعبی، نخعی، قتاده، عمر بن عبدالعزیز، اعمش، زهری، مجاهد، احمد و بسیاری دیگر است. هیچ حدیثی در لزوم جهر خواندن درست نیست جز حدیث ابن عباس که شافعی آن را نقل نموده و می‌گوید: پیامبر (ص) بسمله را آشکار می‌آورد و آن هم معارض احادیث اخفاتیه بوده و یا حمل می‌شود بر اینکه ایشان گاهی به جهر می‌خواندند تا معلوم گردد حضرت (ص) آن را در نماز می‌خوانند. آن گونه که عمر دعا یا تکبیر را (در نماز) آشکار ادا می‌کرد تا به دیگران بیاموزد...^(۶۷)

به مالک بن انس جز آنچه آمد (که ذکرش به خودی خود مکروه و برای خروج از خلاف مستحب) قول دیگری نیز منسوب است؛ ابن کثیر ضمن آوردن دلایل جهر بسمله نزد برخی افراد، روایاتی در مقابل آورده ذکر می‌کند: خلفا و گروهی دیگر جهر به بسمله نکرده، مالک اصلاً بسمله را نه به صورت جهر و نه اخفات ذکر نمی‌کرد...^(۶۸)

دلایل جهر بسمله

در کیفیت قرائت بسمله در نماز برخی به جهر و بعضی به اخفات حکم کرده‌اند که برخی از دلایل این احکام می‌آید:

۱- وقتی ثابت شد بسمله از فاتحه یا هر سوره دیگر است هر حکمی که برای قرائت آن باشد شامل بسمله هم خواهد شد.

- اجماع اهل بیت (ع) - این که خاندان پیامبر (ص) قائل به جهر به بسمله بوده غیر قابل تردید است و در ادامه گواهی فخر رازی بر روش علی (ع) در این جهت را خواهیم

دید. از شوکانی و همچنین از بیهقی در "الخلافيات" نقل می شود که: *انه اجمع آل رسول الله (ص) علی الجهر بیسم الله* (جهر به بسمله مورد اجماع خاندان رسول (ص) است) (۶۹) چند روایت ملاحظه کنید:

الف- امام علی (ع) ضمن خطبه ای طولانی دشواری تصحیح عملکرد خلفا و برگرداندن مردم به سنت پیامبر (ص) را یادآور گشته می فرمایند: *والزمت الناس الجهر بیسم الله...* (اگر می توانستم) مردم را مجبور به آشکارا ادا کردن بسمله می کردم... (۷۰)

ب- دوم روایاتی که می گوید اگر بسمله در نماز یا هر عملی آشکارا نیاید شیطان قرین و شریک عمل شده در نتیجه آن را باطل می کند: امام سجاد (ع) ضمن یادآوری این مسأله به ابو حمزه می افزاید: مراد از ذکر، جهر به بسم الله است. (۷۱)

ج- از امام صادق (ع) نقل می شود که: *ما لهم قاتلهم الله عمدوا الی اعظم آیه فی کتاب الله فزعموا انها بدعه اذا اظهروها*. چی شده آنها را؟ خدایشان بکشد! به بزرگترین آیه قرآن پرداخته پنداشتند آنگاه که آن را آشکار کنند بدعت است... (۷۲)

د- در برخی روایات جهر بدان نشانه ایمان شمرده شده، امام عسکری (ع) می فرماید: *علامات المؤمن خمس... والجهر بیسم الله الرحمن الرحیم*.

نشانه های مؤمن پنج تا است... (دیگری) بسم الله... را آشکارا ادا نمودن است. (۷۳)

۳- برخی روایات و شواهد از منابع عامه: نسایی در سنن خود و... از ابوهریره روایت کرده اند که وی نماز خواند و بسمله را به جهر قرائت نمود پس از فراغت گفت: من از بین شما شبیه ترین نماز را به نماز رسول (ص) به جا آوردم. (۷۴) برخی روایات دیگر را چنین است.

الف- از انس بن مالک درباره چگونگی قرائت پیامبر را سؤال شد گفت: کشیده بود آنگاه بسم... را خواند و آن را (آشکار) و کشیده ادا نمود همچنین الرحمن و الرحیم را. (۷۵)

ب- عن علی (ع) کان رسول الله (ص) یجهر ببسم الله الرحمن الرحیم فی السورتین جمیعاً. (پیامبر (ص) بسم الله را در هر دو (حمد و سوره) به جهر می خواندند. (۷۶))
 فخر رازی شش دلیل بر جهر آورده از جمله روایت شافعی را ذکر می کند که مهاجر و انصار عدم قرائت بسمله و تکبیر در نماز را بر معاویه ایراد گرفتند و وی نماز را با آوردن این دو اعاده کرد. چنین نگارد: شافعی گفت: معاویه حاکم نیرومند و با هیبتی بوده که اگر جهر بسمله چون امر پذیرفته شده نزد تمامی مهاجر و انصار نبود جرأت ایراد و انکار بر معاویه را نداشتند... (۷۷)

ایشان دلیل دیگر را از بیهقی آورده که پیامبر (ص) جهر به بسمله می کرد. همچنین از عمر بن خطاب، ابن عباس، ابن عمر و ابن زبیر هم همین (جهر) را نقل نموده؛ می افزاید: اما اینکه علی (رض) جهر به بسمله می نمود بطور متواتر اثبات شده و هر کس در دین خود به علی اقتدا نماید تحقیقا هدایت یابند؛ دلیل آن هم سخن پیامبر (ص) است که فرمود: خدایا حق را با علی (همراه) بگردان! (۷۸)

حکمتی برای جهر

اضافه می گردد در اسلام هیچ ذکری برتر از نام خدا و مؤثرتر از آن بر مشرکان نیست و شاید به همین جهت به جهرش سفارش اکید شده است. در خبری از امام باقر (ع) چنین می خوانیم: قال لم تکتب بسم الله الرحمن الرحیم فنعیم الاسم و الله کتموا فان رسول الله (ص) کان اذا دخل منزله اجتمعت علیه قریش فیجهر بسم الله الرحمن الرحیم و یرفع صوته بها فتولی قریش فرارا فانزل الله و اذا ذکرک ربک فنی القرآن وحده و لو اعلی ادبار هو نفورا

اسر ۶۹۱

چرا بسم... کتمان شده؟ به خدا سوگند بهترین نام را کتمان کردند؛ همانا هنگامی که پیامبر (ص) وارد خانه اش می شد و قریش دور او را می گرفتند بسم الله... را آشکار نمود

صدایش را در گفتن آن بالا می برد پس آنان پشت نموده فرار می کردند: لذا پروردگار این آیه را فرستاد که هنگامی که نام پروردگارت را در قرآن به یگانگی می بری آنان پشت کرده فرار می کنند. (۷۹)

تتمه (در تکمیل استلال بر رأی صحیح)

شواهد و اخبار بر جزئیت بسمله از سوره ها یا حداقل از سوره فاتحه از کثرت غیر قابل مقایسه ای برخوردار است. خاندان پیامبر (ص) (اهلیت (ع)) بر جزئیت آن از فاتحه و سوره ها اتفاق نظر دارند. از همه اینها روشن تر اجماع عملی امت - از عصر صحابه تا امروز - بر نگارش آن با همان رنگ و خط مصحف در قرآنها و قرائت آن همراه سوره ها بوده است. این در حالی است که در نگارش مصحف بنهایت سخت گرفته محکم کاری می نمودند آنطور که با همه زمینه هایی که در قرآن و روایات وجود داشت از نگاشتن استعاذه^(۸۰) یا آمین^(۸۱) (مطابق روایات اهل تسنن) با خط و رنگ مصحف و تلقی آنها به عنوان آیه ای قرآنی خودداری کردند. خلفا در تجرید قرآن از غیر قرآنی - شامل تفسیر، شأن نزول و... که در اوایل معمول بود - سعی بلیغ نمودند؛ شدت اهتمام مسلمانان بر حفظ و حراست از قرآن طی تاریخ بی سابقه و ضرب المثل است به عنوان مثال:

الف - "عمر خلیفه مقتدر دوم درباره رجم عقیده داشت که درباره اش آیه نازل شده؛ بر آن اصرار می ورزید ولی در قرآن نیامده گفت:... پروردگار پیامبر (ص) را به حق برانگیخت و قرآن را بر او نازل کرد. یکی از آیات نازل که به قرائت، فهم و ادراکش پرداختیم آیه رجم بود. بر اساس این آیه پیامبر (ص) به سنگسار (مجرمان) پرداخت و ما هم پس از او چنین کردیم. می ترسم زمانی بیاید و کسی بگوید: به خدا ما آیه رجم را در قرآن نمی بینیم (و به این حکم عمل نکند) پس به خاطر ترک فریضه ای که خدا واجب کرده گمراه شود... (۸۲) این مسأله را دهها منبع چون بخاری و مسلم نقل نموده اند تا جایی که

متواتر محسوب گشته است، عمر نوشتن آن را در مصحف جایز می دانست می گفت: ... سوگند به خدا اگر مردم نمی گفتند عمر چیزی در قرآن اضافه کرده حتماً آن را می نوشتم. (۸۳)

با این وصف آیا نوشتن در مصحف می تواند معنایی جز احتیاط شدید، عنایت و دقت فوق العاده مسلمانان در حفظ و ثبت آنچه قرآنی است داشته باشد؟!۱

ب- در جای دیگر آمده که خلیفه دوم قصد انداختن حرف "واو" از اثنای آیه ۱۰۰ سوره توبه را داشت، زید بن ثابت اعتراض کرد و مورد تأیید ابی بن کعب نیز قرار گرفت پس عمر نتوانست به مقصودش نایل گردد. (۸۴)

ج- خلیفه سوم عثمان بر حذف "واو" از آیه ۳۴ توبه اصرار داشت ابی بن کعب تهدید کرد اگر منصرف نشود دست به شمشیر می برد و عثمان منصرف شد. (۸۵)

د- عثمان پس از مشورت با صحابه به توحید مصاحف دستور داد و این تصمیم تقریباً به اتفاق مورد قبول واقع شد. پس از پایان طرح توحید مصاحف، برخی چون ابن عباس و عسک بن سلامه از وی سبب نیامدن بسمله در آغاز سوره توبه را خواستند عثمان پاسخ داد: پیامبر (ص) از دنیا رفت و بیان نکرد که این سوره ای مستقل است، پس تصور کردم با سوره انفال یکی است لذا بسمله را نیاوردم. (۸۶) آنچه در این ماجرا قابل تأمل است شدت اعتنا به قرآن و از علت نیامدن بسمله در آغاز سوره است که اگر و حیانی نبود و آمدن آن در آغاز سوره ها نیز بدیهی تلقی نمی شد نباید از عثمان می پرسیدند و عثمان نیز می توانست بگوید اصلاً بسمله آیه قرآن نیست لذا ضرورتی بر آوردنش نبود. البته سخن درست در این جهت آنکه جبرئیل آن را در آغاز سوره نازل نکرد و به تعبیر امام علی (ع) بسمله امان است و این سوره در مقام برداشتن امان و جهت دستور به جنگ نازل گشته. (۸۷)

ذ- ماجرا و برخورد ابوالاسود دثلی در اقدام به اعرابگذاری نیز قابل تأمل است آنجا که با وجود احساس نیاز از اعرابگذاری آن ظفره رفت و در نهایت وقتی چاره ای جز آن ندید

به آن اقدام کرد اما مسلمانان این نمونه اصلاحات را با رنگی جز رنگ خط مصحف نوشتند.^(۸۸)

گفته‌اند با نزول بسمله پایان سوره‌ای و آغاز سوره‌ای دیگر دانسته می‌شد و شاید برخی به همین دلیل بسمله را فقط نشانه آغاز یا پایان یا برای فاصله انداختن بین سوره‌ها دانسته‌اند. این سخن به صورت موجه کلیه و اینکه تنها بیان و ویژگی برای بسمله باشد صحیح نمی‌نماید.

مفسر بزرگ شیخ ابوالفتح رازی و همچنین سید رشید رضا درباره بسمله بیانات در خور توجهی دارند. رازی می‌نویسد: "طریقی دیگر اعتباری آن است که این آیت از چهار وجه بیرون نیست و یا برای اول سوره نبشند یا برای آخرین سوره، یا برای فصل بین السورتین یا آنجا که فرو آمد بنوشتند و آنجا فرو نیامد بنوشتند. اگر از برای اول سورت است بایستی که در اول سوره التوبه بودی و اگر از برای آخر سوره بوده بایستی که در آخر سوره انفال و الناس بودی و اگر برای فصل بودی از میان دو سوره بایستی که میان انفال و توبه بودی و در سوره النمل بودی و چون این سه قسمت باطل شد بنماند الا آنکه آن جا که فرو آمد بنوشتند و آن جا که فرو نیامد بنوشتند."^(۸۹) سخن رشید رضا در این زمینه را در صفحه ۷ (بحث نگارش در مصحف) ببینید.

«معلوم گشت که جهر به بسمله روش اجماعی آل رسول خدا (ص) (اهلیت) بوده این روش از علی (ع) بطور متواتر نقل شده و همانطور که امام شافعی استفاده نموده این مسأله چون امری بدیهی نزد مهاجر و انصار بوده لذا بر معاویه با آن قوت و شوکتش ایراد گرفتند. اخبار و شواهد بر اخفات چیزی جز اخبار آحاد و مبهم نبوده هرگز به صراحت و استواری اخبار جهر نمی‌رسند. بنابراین نمی‌توان از آن روایات بر نبودن بسمله از قرآن استدلال نمود خطای آشکار است که سخن برخی فقها در این جهت را بر اجماع امت - که آنچه ما بین دو جلد است قرآن می‌باشد - ترجیح داد».

علل پیشامد اختلاف در بسمله و راه رسیدن به وحدت

پس از ملاحظه دلایل و شواهد روشن بر جزئیت بسمله از قرآن و شایستگی جهر به بسمله در نماز به نظر نمی آید انکار این اعتقاد و اصرار بر انکار توجیه مناسبی داشته باشد و گرنه کدام دلیل محکم بر غیر قرآنی بودن بسمله یا آن را آیه ای مستقل دانستن وجود دارد؟ یقیناً همه این اقوال درباره بسمله درست نیست و از پیامبر (ص) نیز صادر نشده است. بطور طبیعی صاحب شریعت و ابلاغ کننده آن در این زمینه سخن مشخص و موضع روشنی داشته اند؛ اما چرا پس از ایشان نسبت به این مهم اختلاف پیش آمده؟ جوابش را باید در میزان استفاده صحابه و پیشینیان از پیامبر (ص)، استعداد، حافظه، امانتداری، پارسایی، استقامت بر صراط مستقیم و شدت التزام به سنت جستجو نمود. آنطور که مشخص است همه آنان توفیق بهره برداری یکسان و یک اندازه از سرچشمه جوشان علم، کمال و هدایت نبوی را نداشته اند.

امام علی (ع) شاگرد اول مکتب اسلام و پیامبر (ص) - در خطبه ۲۱۰ نهج البلاغه در پاسخ به سؤالی در علت اختلاف اخباری که پیش ابوذر، سلمان و مقداد است با آنچه نزد مردم می باشد ضمن تقسیم مردم به چهار دسته پاسخ شایسته ای دارند: می فرماید:

”در دست مردم حق است و باطل، راست است و دروغ. ناسخ و منسوخ. عام و خاص، محکم و متشابه و آنچه در خاطر سپرده شده است و آنچه حدیث گو بدان گمان برده است، و بر رسول خدا (ص) در زمان او دروغ بستند تا آنکه برخاست و خطبه خواند و فرمود: ”هر که به عمد بر من دروغ بزند جایی در آتش برای خود آماده سازد.“

و حدیث را چهار کس نزد تو آرند که پنجمی ندارند:

مردی دو رو که ایمان آشکار کند. و به ظاهر چون مسلمان بود و از گناه نترسد و بیمی به دل نیارد، و به عمد بر رسول خدا (ص) دروغ بزند و باک ندارد، و اگر مردم بدانند او منافق است و دروغگو، از او حدیث نپذیرند و گفته اش را به راست نگیرند. لیکن گویند یار

رسول خدا (ص) است دید و از او شنید و در ضبط آورد، پس گفته او را قبول باید کرد؛ و خدا تو را از منافقان خبر داد چنانکه باید و آنان را برای تو وصف فرمود آسان که شاید اینان پس از رسول خدا، که بر او کسان او درود باد، بر جای ماندند، و با دروغ و تهمت به پیشوایان گمراهی و دعوت‌کنندگان به آتش - غضب الهی - نزدیکی جستند، و آنان این منافقان را به کار گماردند و کار مردم را به دستشان سپاردند، و به دست ایشان دنیا را خوردند و مردم آنجا روند که پادشاه و دنیا روی آرد، جز که خدا نگهدارد، و این - منافق - یکی از چهارتن است.

و مردی که چیزی از رسول خدا (ص) شنید و آن را چنانکه باید در گوش نکشید، و به خطا شنفته و به عمد دروغی نگفته، آن حدیث نزد اوست؛ آن را می‌گوید و بدان کار می‌کند، و گوید "من این را از رسول خدا (ص) شنیدم" و اگر مسلمانان می‌دانستند وی در قرآن حدیث به خطا رفته از او نمی‌پذیرفتند، او هم اگر می‌دانست حدیث خطاست از سر گفتن آن بر می‌خاست.

و سومین، مردی است که شنید رسول خدا (ص) به چیزی امر فرمود، سپس آن را نهی فرمود و او نمی‌داند یا شنید چیزی را نهی کرد سپس بدان امر فرمود، و او از آن آگاهی ندارد. پس آن را که نسخ شده به خاطر دارد و نسخ‌کننده را به خاطر نمی‌آورد، و اگر می‌دانست - آنچه در خاطر دارد - نسخ شده آن را ترک می‌گفت و اگر مسلمانان هنگامی که حدیث را از وی شنیدند می‌دانستند نسخ شده ترک آن حدیث می‌گفتند.

و چهارمین آنکه بر خدا و رسولش دروغ نمی‌بندد چون از خدا می‌ترسد، و رسول خدا (ص) را حرمت می‌نهد، نیز دستخوش خطا نگردیده و آن را که به خاطر سپرده همان است که شنیده، و آنچه شنیده روایت کند، بدان نیفزاید و از آن کم نکند. پس ناسخ را به خاطر سپرده و به کار برده و منسوخ در خاطرش بوده و از آن دوری نموده. خاص و عام را دانسته و متشابه و محکم آن را شناخته و هر یک را به جای خود نهاده.

و گاه بود که از رسول خدا (ص) سخنی است و آن را دو رویه و دوگونه معنا است: گفتاری است خاص و گفتاری است عام. آن سخن را کسی شنید که نداند خدا و رسول (ص) از آن چه خواهند، پس شنونده آن را توجیه کند بی آنکه معنای سخن را بداند، یا مقصود از آن را بشناسد، یا این که بداند آن حدیث چرا گفته شده است؛ و تا آنجا که دوست داشتند عربی بیابانی که از راه رسیده، از او چیزی پرسد و آنان بشنوند؛ و از این گونه چیزی بر من نگذشت جز آنکه - معنی - آن را از او پرسیدم و به خاطر سپردم. این است موجب اختلاف مردم در روایتها - و درست ندانستن معنی آنها. (۹۰)

ابن ابی الحدید در شرح این خطبه گوید: "بدان که این تقسیم بندی نیکوست. چرا که در عهد پیامبر (ص) افرادی منافق وجود داشته و پس از ایشان هم باقی ماندند؛ و نمی توان گفت که جریان نفاق با رحلت پیامبر (ص) مرد. اما سبب مخفی شدن وضع منافقان پس از حضرت (ص) اینکه ایشان - در حیات خود - با توجه به آیات نازله امر آنان را گوشزد می نمودند - که قرآن از هشداد درباره منافقان پر است - آیا نمی بینی که بیشتر آیات نازله در مدینه آکنده از ذکر مسأله اینان است؟! ... آنگاه که با رحلت پیامبر (ص) وحی پایان یافت کسی که لغزشهای اینان را اعلام و کردارشان را سرزنش نماید باقی نماند... سپس کشورهای مختلف به روی اینان گشوده و غنائم بسیار گشت، پس به جای رفتاری که در زمان پیامبر (ص) بروز می دادند به این امور (شرکت در جنگ و...) مشغول شدند. خلیفا هم اینان را همراه فرماندهان به سرزمینهای ایران و روم فرستادند بنابراین دنیا اینان را از رفتاری که در عهد رسول خدا (ص) داشتند و مورد سرزنش قرار می گرفتند به خود سرگرم نمود." (۹۱)

از بیان امام (ع) اسباب اختلاف روایات و سابقه این تفاوت آرا روشن می گردد و هر چه از عصر حضرت (ص) فاصله می گیریم بر دامنه این اختلاف و شدت ابهام در مسائل افزوده می شود.

و نیز وقتی از انس بن مالک می پرسند که پیامبر (ص) قرائتش را با الحمد لله آغاز می کرد یا با بسم الله... گوید: از چیزی پرسیدی که آن را به یاد نمی آورم و قبل از تو کسی از من نپرسیده! ببینید: *اكان النبي (ص) يقرأ بسم... او الحمد... فقال: انك لتسألني عن شيء ما احفظه او ما سألتني احد قبلك!*" (۹۲)

آنچه در این خبر تأمل برانگیز است میزان آگاهی، حفظ و التزام انس به سنت پیامبر (ص) می باشد. چقدر شگفت است؛ مگر رسول الله (ص) صاحب شریعت نیست؟ انس کیفیت نمازش را از چه کسی اخذ کرده که روش پیامبر (ص) را به یاد نمی آورد؟! در جای دیگر انس از تغییر در سنت پیامبر (ص) و فراموشی آن یاد می کند؛ گوید: از آنچه در عهد پیامبر (ص) معمول بود چیزی را نمی بینم. گفته شد نماز (چطور؟) گفت: مگر آنچه را ضایع کردید به یاد نمی آورید؟ (۹۳)

گواه بعدی: زهری گوید در دمشق بر انس وارد شدم در حالی که گریه می کرد، سببش را خواستم گفت: از آنچه در زمان پیامبر (ص) درک نمودم جز نماز چیزی (که مورد عمل باشد) را نمی یابم و آن هم ضایع شده است. (۹۴)

خلاصه گرچه به نظر می رسد زمینه های اختلاف در بسمله به دوره قبل از خلافت امام علی (ع) می رسد لکن سعی در عدم جهر بسمله، اسقاط و سنت شدن ترک آن را باید از جمله اقدامات معاویه در برابر علی (ع) به شمار آورد. فخر رازی می نویسد: در این ماجرا (عدم جهر بسمله) اتهام دیگری نیز مطرح است و آن اینکه علی (ع) در جهر به بسمله مبالغه می نمود و چون حکومت به بنی امیه رسید بشدت از جهر به بسمله جلوگیری کردند تا به این صورت در محو آثار امام علی (ع) کوشیده باشند. (۹۵)

علامه عسکری در جمع بندی اخبار وارده در این باب می نویسد: مسلمانان در مکه و مدینه از عهد پیامبر (ص) تا خلافت معاویه بسمله را همان طور که در آغاز سوره ها در مصاحف خود می نوشتند قرائت هم می نمودند. هنگامی که معاویه به خلافت رسید آن را

در نماز نمی آورد و در سفرش به مدینه در مسجد النبی (ص) هنگامه اقامه نماز برای مهاجر و انصار مطابق عادت خود ترکش نمود؛ پس مهاجران و انصاری که این عمل را دیدند از هر سو بانگ برآوردند که آیا (بسمله را) دزدیدی یا فراموش کردی؟! او هم پس از آن در نماز بسمله را قرائت کرد. این ماجرا مربوط به مدینه است: از بررسی اخبار چنان معلوم می‌گردد که وقتی به شام مراجعت کرد به عادتش (ترک بسمله) برگشت. پس از وی خلفای اموی از همین روش پیروی نمودند.

ابن زبیر در توصیف این رفتار امویان گوید: کبر آنان را از آوردن بسمله مانع شد؛ ابن عمر در حالی که کردارشان را مردود می‌شمرد گفت: اگر بسمله نباید خوانده شود پس چرا در مصحف نوشته شده؟! مردم حرمین شریفین بسمله را قرائت می‌کردند تا آنکه عمرو بن سعید بن عاص اموی حاکم آنجا شد. وی نخستین کسی است که در مدینه بسمله را مخفی قرائت نمود و (با این نحوه قرائت) از سویی از کرامت معاویه جانبداری کرد و از طرف دیگر مراعات نظر مهاجر و انصار نمود. سپس قدرت و شوکت امویان - پس از قتل ابن زبیر در مکه - فزونی یافت و برخی احادیث در تأیید معاویه و حفظ کرامت وی روایت شده و پس از آن مسلمانان پیرو مدرسه خلفا (اهل سنت) دچار اختلاف شدند: برخی از آنان بسمله را قرائت می‌کنند و بعضی دیگر - اعم از اهالی حرمین و جز آنان - تابع سنت و اجتهاد معاویه در ترک قرائتش شدند. ^(۹۶)

در پایان باید گفت اهل بیت پیامبر (ص) بیشترین بهره را از محضر ایشان (ص) برده دچار توهم و لغزش هم نشدند لذا مطمئن‌ترین راه بلکه تنها راه هدایت در تمسک به مشکات نورانی هدایت آنان است. این معنا بروشنی از احادیثی چون ثقلین، حق، مدینه علم و... برمی آید. و راهی برای وحدت و نجات امت نیز جز این وجود ندارد: ^(۹۸) باید افزود این مهم ممکن نیست مگر آنکه مسلمانان بویژه در امر تحقیق خود را از تعصبات مذهبی رها کرده دنبال حق به خاطر حق باشند.

مفسر معروف، آوسی آن طور که خود تصریح کرده تمام تلاش خود را مصروف می‌دارد تا از موضع مذهب جدیدش (مذهب حنفی) درباره این بحث دفاع نماید و این دفاع را وظیفه‌اش می‌شمرد؛ می‌نویسد... بر هر کس واجب است به مذهبش کمک نموده و از آن با اقامه دلیل بر اثباتش و از سویی با سست کردن دلایل دیگران دفاع نماید. قبل از این هدف خود را در بزرگان شافعیه متجلی می‌دیدم...^(۹۸)

هم ایشان در جای دیگر می‌نویسد: هر کس به احادیث بنگرد شایسته نیست در قرآنی بودن بسمله توقف کرده یا وجوب قرائت آن را منکر گردد و آن را از سنت ببیند گرچه این (انکار جزئیت بسمله) هم بر ایم به فضل خدا ممکن است و می‌توانم آن را توجیه نمایم! ولی من آن را نمی‌پذیرم... از اظهارات ایشان به روشنی استفاده می‌گردد سعی بر تقویت و توجیه سخن امامش که به او لقب امام اعظم و مجتهد اقدم داده دارد با آنکه می‌داند صحابه و تابعان در اجتهاد بر امامش مقدم هستند و این القاب اگر درست باشند مقتضی عدم خطا، فراموشی یا اهمال نخواهند بود.^(۹۹) به هر حال اگر استقلال فکری و روشنگری مدار بحث و تحقیق نباشد مجادله و شبهه‌اندازی کار مشکلی به نظر نمی‌آید. باید اضافه کرد بر یاران حق فرض است با استدلال نیکو و جدال احسن با کسانی که درست و نادرست را با هم در آمیخته شبهه می‌اندازند روبرو شوند.

نتیجه

قرآن کریم از آغاز تاکنون از اهتمام و توجهی مثال‌زدنی از سوی مسلمانان - با هر گرایش - برخوردار بوده، وثاقت، استواری و تحریف‌ناپذیری‌اش مورد اتفاق آنان است. به رغم این اهتمام و باور در برخی جهات قرآن شاهد اختلاف نظر مسلمانان هستیم که جزئیت بسمله از قرآن - در آغاز سوره‌ها - یکی از این زمینه‌هاست. در این مختصر به مشهورترین آرا در این باب اشاره شد. ملاحظه گردید که هر گروه در تأیید باور خود به ذکر شواهدی پرداختند. آنچه پذیرفتی تر نمود اعتقاد به جزئیت بسمله از هر سوره‌ای است که

در آغازش آمده. این باور به مبنای پذیرش قرآن - تواتر و اجماع - نزدیک تر می باشد چرا که هم اخبار فراوانی - در حد تواتر معنوی - آن را تأیید می کند و هم توسط اجماع عملی امت بر کتابتش در آغاز سوره ها - جز برائت - با خط و رنگ آیات گواهی می شود. گفتنی است که ذکر بسمله در آغاز فاتحه در نماز مورد پذیرش عموم مذاهب است که آن هم می تواند شاهدی دیگر بر رأی صحیح می باشد. به نظر می رسد شبهه عدم جزئیت بسمله در دوره ای متأخر - طی حکومت معاویه - پیش آمده و اگر مسلمانان بر اساس مبانی صحیح عقل و شرع و نه تحت تأثیر تعصبات یا الفئات عصر اموی به تحقق بپردازند به رأی درست و وحدت نظر خواهند رسید.

منابع و یادداشتها

- ۱- ابن کثیر الدمشقی، اسماعیل: تفسیر القرآن العظیم (تفسیر ابن کثیر) دار احیاء التراث العربی - بیروت، ۱۴۰۵ هـ. ق. الطبعة الاولى، اربعة اجزاء، ج ۱ ص ۲۷
- ۲- الاوسى البغدادی، شهاب الدین السید محمود: روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، دار احیاء التراث العربی - بیروت الطبعة الرابعة، ۱۴۰۵ هـ. ق. ج ۱ ص ۳۹
- ۳- ر. ک. خویی، آیه الله ابوالقاسم: البیان فی تفسیر القرآن، انوار الهدی، قم، چاپ هشتم، ۱۴۰۱ هـ. ق. ص ۴۲۸
- ۴- همان
- ۵- تفسیر القرآن العظیم ج ۱ ص ۲۷
- ۶- البیان فی.... ص ۴۳۹ به نقل از تفسیر الخازن
- ۷- الطبرسی، فضل ابن حسن: مجمع البیان فی تفسیر القرآن، دارالمعرفه، بیروت، بی تا، ج ۱ ص ۸۹ و بعد.
- ۸- الرازی، محمد بن الحسین (فخر الدین): التفسیر الکبیر، ۳۲ جزء فی ۱۶ مجلد، مرکز النشر: مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۱۳ هـ. ق. الطبعة الرابعة، جلد ۱، ص ۱۹۴: تفسیر القرآن العظیم. ج ۱، ص ۲۷

- ۹- روح المعانی... ج ۱، ص ۳۹
- ۱۰- مجله بینات (ویژه پژوهش‌های قرآنی) فصلنامه مؤسسه معارف اسلامی امام رضا (ع)، قم، زمستان ۱۳۷۷ هـ.ش. شماره ۲۰، ص ۱۶
- ۱۱- السیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، الطبعه الثالثه، مجلدان، ۱۴۱۱ هـ.ق، ج ۱، ص ۱۷۲ و بعد.
- ۱۲- روح المعانی...، ج ۱، ص ۳۹
- ۱۳- تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۲۷
- ۱۴- الزمخشری، محمود بن عمر: الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۴ هـ.ق، الطبعه الاولى، اربعه اجزاء، ج ۱، ص ۱
- ۱۵- التفسیر الکبیر، ج ۱، ص ۱۹۴
- ۱۶- همان و تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۲۸
- ۱۷- تفاسیر: الکبیر، ج ۱، ص ۱۹۰ به بعد؛ القرآن العظیم، ج ۱ ص ۲۷ و ۲۸؛ السیوطی، جلال الدین: الدر المنثور فی التفسیر بالملثور، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ هـ.ق، ج ۱، ص ۱۹-۳۰؛ روح المعانی، ج ۱ ص ۳۹ و بعد؛ رشید رضا، محمد: تفسیر القرآن الحکیم الشہید بتفسیر المنار، دارالمعرفه، بیروت، الطبعه الثانيه، ۱۱ جزء، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۵ به بعد؛ القرآن الکریم روایات المدرستین، ج ۲، ص ۳۷-۳۷
- ۱۸- به عنوان نمونه رک البیان ص ۱۹۷ به بعد، همچنین معرفه، محمد هادی: صیانه القرآن من التحریف، دارالقرآن الکریم، قم، چاپ اول، ۱۴۱۰، هـ.ق، ص ۲۷ به بعد و دیگر کتابها در عدم تحریف قرآن.
- ۱۹- الطوسی، محمد بن الحسن: مکتب الاعلام الاسلامی، قم، الطبعه الاولى، ۱۴۰۹ هـ.ق، عشره اجزاء، ج ۱، ص ۲۴
- ۲۰- الکشاف ج ۱، ص ۱
- ۲۱- التفسیر الکبیر، ج ۱، ص ۱۹۷
- ۲۲- همان

- ۲۳- التفسیر الکبیر، ج ۱۹، ص ۱۶۰
- ۲۴- لازم است دانسته شود وقتی در صدد اصلاح نگارش قرآن برآمدند آن اصلاحات را به رنگهایی جز رنگ اصلی قرآن (سیاه) نوشتند تا معلوم گردد در مصحف اولیه چنین نبوده.
- ۲۵- ابن علی، حسین: روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن (تفسیر ابوالفتح رازی)، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۴، ه.ش. ۱۴، جلد، ج ۱، ص ۵۴
- ۲۶- المنار، ج ۱، ص ۸۴
- ۲۷- ضمناً نباید فراموش کرد که خلفا در عهد خود بر تجرید قرآن و ثبت محض قرآن با وجود شاهدین اصرار تمام نموده غیر قرآنی (حتی تفسیر و روایات تفسیری) را از آن انداختند در این جهت می توان به برخی شواهد چون ادعای عمر در قرآنی بودن "آیه الرجم" و عدم ثبت آن در مصحف و یا سفارش وی به کسانی که به شهرها گسیل می داشت اشاره کرد که به آنان توصیه می نمود: جردوا القرآن (= قرآن را خالص و مجرد کنید). ر.ک. المتقی الهندی، علاء الدین علی بن حسام الدین: کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، مؤسسه الرساله، بیروت، الطبعة الخامسة، ۱۴۰۵ ه.ق، ج ۵، ص ۶۸۹، حدیث ۱۴۱۹۷ و ج ۲، ص ۲۸۵، حدیث ۴۰۱۷.
- لذا گرچه از مطالعه وضعیت مصاحف صحابه معلوم می گردد تفسیر نیز همراه آنها ثبت بوده اما در ادامه بویژه در عهد خلیفه سوم مصحف از غیر قرآنی بطور کامل پیراسته گشت. ر.ک. عسکری، علامه سیدمرتضی: القرآن الکریم و روایات المدرستین، شرکه التوحید للنشر، بی تا، الطبعة الاولى، ۱۴۱۵ ه.ق، ج ۱، ص ۲۷۲ و ۲۷۳
- دکتر صبحی صالح گوید: آنطور که مشخص است صحابه در مصاحف خود تفسیر را از باب تبیین و توضیح می آوردند... البته تمامی این زواید که همه از قبیل تفسیر یا توضیح مجمل و یا اثبات محذوف بود در نگارش مصحف های رسمی عثمان کنار گذاشته شد و سوره ها و آیات آن به همان صورت که امروز در دست ما می باشد مرتب گردید. ر.ک. صالح، صبحی: پژوهشهایی درباره قرآن و وحی، ترجمه محمد مجتهد شبستری، دفتر نشر فرهنگ اسلام، چاپ اول، ۱۳۷۰ ه.ش، ص ۱۲۷

۲۹- همان

۳۰- حیدر، اسد: الإمام الصادق و المذاهب الاربعه، مکتبه الامام امیر المؤمنین علی (ع)، افسس از

چاپ دارالکتاب العربی، چاپ دوم، بیروت، ۱۳۹۰ ه.ق، ج ۳، ص ۳۱۱

۳۱- ر.ک. ابن اشعث، سلیمان: سنن ابی داوود، دارالکتاب، بیروت، بی تا، ج ۱ ص ۲۰۸؛ کنز العمال... ج ۲.

ص ۵۸۰ (ح ۴۷۷۲)؛ الاتقان... ج ۱، ص ۱۳۲ (نوع ۱۸)

۳۲- آنچه در نیامدن بسمله در آغاز براهت درست تراست سخن امام علی (ع) است که بسمله امان بوده

سوره براهت برای برداشتن امان آمده لذا با بسمله شروع نشده ر.ک القرطبی: محمد بن احمد: الجامع

لا احکام القرآن، بی تا، بی جا، ج ۸، ص ۶۲ والاتقان، ج ۱، ص ۱۴۲ (نوع ۱۹)

۳۳- الاتقان، ج ۲، ص ۱۷۲

۳۴- به عنوان نمونه: مسلم نقل می کند: ... قام رسول الله یوما فینا خطیبا بماء یدعی خماین مکه و المدینه

فحمد الله و اثنی علیه... انا تارک فیکم ثلثین اولهما کتاب الله و اهل بیتی اذ کرّم الله فی اهل بیتی ابن حجاج

قشیری نیشابوری، مسلم: صحیح مسلم (با شرح نووی)، دار احیاء التراث العربی - بیروت، الطبعة الثانیة.

۱۳۹۲ ه.ق. ۱۸ اجزاء فی ۹ مجلدات، ج ۱۵ ص ۱۷۹ (کتاب فضائل الصحابه) ... انی تارک فیکم ما ان

تمسکتکم به لن تضلوا بعدی احدهما اعظم من الآخر کتاب الله جبل ممدود من السماء الی الارض و عترتی اهل

بیتی و لن یفترقا حتی یردا علی الحوض فانظروا کیف تخلفونی فیهما. سنن ترمذی، کتاب المناقب ح ۳۷۲۰.

در بیان آیه تطهیر، عائشه: خرج النبی (ص) و علیه مرط مرحل من شعر اسود فجاء الحسن بن علی فادخله ثم

جاء الحسن فدخل معه ثم جائت فاطمه فادخلها ثم جاء علی فادخله ثم قال: انما یرید الله لیدهب عنکم لرجس

اهل البیت و یطهرکم تطهیرا. مسلم ج ۱۵ ص ۱۹۴ و ر.ک. ج ۱۵ ص ۱۷۶، ترمذی آورده که پیامبر (ص)

اصحاب کسارا گرامی داشته اهل بیت خود دانسته... ترمذی، ابو عیسی محمد بن عیسی، السنن، دارالفکر،

بیروت، ۱۴۱۴ ه.ق، ج ۵، صص ۴۰۷، ۴۳۴ و ۴۳۳

۳۵- الحر العاملی، محمد بن الحسن: وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، دار احیاء التراث العربی،

بیروت، الطبعة الخامسة، ۱۴۰۳ ه.ق، ج ۴، ص ۷۴۷

- ۳۶- الکلینی، محمد بن یعقوب: الکافی. دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ ه. ش، ج ۱، جلد ۳، ص ۳۱۲
- ۳۷- وسائل الشیعه... ج ۴، ص ۷۴۵
- ۳۸- الکافی. ج ۳، ص ۶۲۷
- ۳۹- به عنوان نمونه ر. ک: صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۱۲؛ سنن ابی داوود، ج ۱، ص ۲۰۸؛ ابن شعیب (النسائی) احمد، المجتبی (السنن) نسائی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۵ ه. ق، ج ۲، ص ۱۴۴؛ الجامع... (تفسیر القرطبی) ج ۱، ص ۹۳، (عموم صاحبان صحاح، و مسانید و تفاسیر آورده‌اند)
- ۴۰- الاتقان... ج ۱، ص ۵۲ و ۵۳ (= نوع هفتم)
- ۴۱- الجامع... ج ۱، ص ۱۱۵ و المنارج، ج ۱، ص ۳۵
- ۴۲- ر. ک. ابن کثیر الدمشقی، اسماعیل: تفسیر القرآن العظیم، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۱ ه. ق، ۴ اجزاء، ج ۱، ص ۱۴۵
- ۴۳- الاتقان... ج ۱، ص ۱۴۸ (نوع ۱۹)
- ۴۴- کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، ج ۷، ص ۴۳۷ حدیث ۱۹۶۶۵
- ۴۵- ر. ک تفسیر المنارج، ج ۱، ص ۸۸
- ۴۶- کنز العمال... ج ۱، ص ۵۶، حدیث ۲۵۱۹ به نقل از بیهقی در سنن.
- ۴۷- سنن ابی داوود، ج ۱، ص ۲۰۹، کنز العمال... ج ۷، ص ۱۵۱ و ۱۵۲ احادیث ۱۸۴۶۸ و ۱۸۴۷۱.
- ۴۸- معرفه، محمد هادی: التمهید فی علوم القرآن، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، الطبعة الاولى، ۶ اجزاء، ج ۱، ص ۲۷۵ به نقل از تاریخ یعقوبی و مستدرک حاکم
- ۴۹- البیان... ص ۴۴۲
- ۵۰- التفسیر الکبیر، ج ۱، ص ۱۹۷
- ۵۱- همان، ص ۱۹۸
- ۵۲- روح... ج ۱، ص ۴۲-۴۵ باگزینش و تلخیص.
- ۵۳- سنن ابی داود، ج ۱، ص ۲۰۸، ابن ماجه القزوی، محمد بن یزید، السنن- دار احیاء التراث العربی،

- بیروت، ۱۳۹۵ هـ. ق، ج ۱، ص ۲۶۷
- ۵۴- پشت سر پیامبر (ص) و سه خلیفه نماز خواندم. ایشان نماز را با الحمد... شروع می‌کردند، مسلم... عبارت "نه در اول و نه در آخر قرائت" را نیز افزوده. ر. ک صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۱۱، سنن نسایی، ج ۲، ص ۱۴۵
- ۵۵- صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۰۱، سنن ابی داوود، ج ۱، ص ۲۰۸
- ۵۶- منظور روایاتی است که ایشان در بیان آورده و به نقل بعضی از آنها در قبل پرداختیم (ر. ک. ص ۹)
- ۵۷- البیان...، ص ۴۴۶
- ۵۸- البیان ص ۴۴۴ و ص ۵۱۸ (تعلیقه ۱۶ به نقل از تهذیب التهذیب)
- ۵۹- همان ص ۴۴۴
- ۶۰- روح المعانی، ج ۱، ص ۴۱ و ۴۲
- ۶۱- ر. ک. البیان ص ۴۳۹ به نقل از الفقه علی المذاهب الاربعه
- ۶۲- تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۱۷
- ۶۳- البیان، ج ۱، ص ۲۴ به بعد
- ۶۴- مجمع البیان، ج ۱، ص ۸۹
- ۶۵- الکشاف، ج ۱، ص ۱
- ۶۶- التفسیر الکبیر، ج ۱، ص ۲۰۳ و ۲۰۴
- ۶۷- روح...، ج ۲، ص ۴۵
- ۶۸- تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۲۸
- ۶۹- الامام الصادق و المذاهب الاربعه ج ۳، ص ۳۱۱
- ۷۰- الکافی ج ۸، ص ۵۸
- ۷۱- تفاسیر العیاشی، محمد بن مسعود: کتاب التفسیر، (تفسیر عیاشی) مکتبه العلمیه الاسلامیه، تهران، بی تا، دو جلد، ج ۱، ص ۱۹ به بعد و اظیب البیان، ج ۱، ص ۸۶ به بعد.
- ۷۲- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۱

۷۳- الطوسی، محمد بن الحسن: تهذیب، دارالکتب الاسلامیه. تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۵، هش، ۱۰

لد، ج ۶، ص ۴۲

۷۴- تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۲۷

۷۵- البخاری، محمد بن اسماعیل، الجامع الصحیح (صحیح بخاری) دارالافتاء، بیروت، ۱۴۰۱ هـ.ق.

افست دارالطباعه العامره، استانبول الطبعة الثانية، ج ۶ ص ۱۱۲ و معادل آن در سنن ابن ماجه ج ۱، ص ۴۳۰.

رشید رضا علاوه بر این خبر از ام سلمه نیز این مضمون را نقل نموده که پیامبر (ص) آیه آیه و شمرده شمرده

می خواند و قطع می نمود. ر.ک. المنار، ج ۱، ص ۸۸

۷۶- کنز العمال، ج ۸، ص ۱۱۶، حدیث ۲۲۱۶۴

۷۷- التفسیر الکبیر، ج ۱، ص ۲۰۴، تفسیر القرآن العظیم ج ۱، ص ۲۸

۷۸- همان، ص ۲۰۴ و ۲۰۵

۷۹- کنز العمال، ج ۲، ص ۴۵۴، ح ۴۴۸۶ همچنین ر.ک. القمی، علی بن ابراهیم: تفسیر علی بن ابراهیم

فمی مؤسسه دارالکتاب للطباعه و النشر، قم، چاپ سوم، دو جلد، ج ۱، ص ۲۸

۸۰- در آیات و روایات متعددی به استعاذه سفارش شده... و اما ینزغتك من الشیطان نزع فاستعذ بالله

من الشیطان الرجیم. اعراف ۲۰۱ و فصلت ۳۶... فاذا قرأت القرآن فاستعذ بالله من الشیطان الرجیم... نحل ۹۸

و... قل رب اعوذ بک من همزات الشیطان مؤمنون ۹۷ و...

۸۱- ملاحظه برخی اخبار درباره آمین بی مناسبت نیست، بنگرید: عن النبی (ص): اذا قال الامام

"غیر المغضوب..." فقولوا آمین فانه من وافق قوله قول الملائکه... ر.ک صحیح البخاری ج ۱، ص ۱۹۰ و سنن

نسائی، ج ۲، ص ۱۵۴ به بعد و...

۸۲- البخاری، محمد بن اسماعیل: الصحیح، مؤسسه التاریخ العربی- بیروت، بی تا، ج ۸، ص ۲۰۹ و

صحیح مسلم، ج ۱۱، ص ۱۹۱

۸۳- سنن ابی داوود، ج ۴، ص ۱۴۵. همچنین مرتضی، سید جعفر: حقایق مهم پیرامون قرآن کریم،

دفتر انتشارات اسلامی، قم، ترجمه: حسن اسلامی سال ۱۳۷۱ هـ.ش. چاپ اول، ص ۲۷۷ به نقل از

- ۸۴- ر.ک حقایق مهم، ص ۳۰ به نقل از تفسیر الدر المنثور، کنز العمال و تفسیر طبری
۸۵- همان
- ۸۶- سنن ابی داوود، ج ۱، ص ۲۰۸؛ الاتقان ج ۱، ص ۱۳۲ و تفسیر قرطبی ج ۱، ص ۶۲ و...
۸۷- الاتقان، ج ۱، ص ۱۳۲ و ۱۴۲ همچنین تفسیر قرطبی
۸۸- معرفت، محمدهادی: علوم قرآنی، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، چاپ اول، بهار ۱۳۷۸
هش ص ۱۷۲ به بعد.
- ۸۹- تفسیر روض الجنان و...، ج ۱، ص ۴۵ سخن رشید رضا در این زمینه را نیز در صفحه ۷ (بحث نگارش در مصحف) ببینید.
- ۹۰- نهج البلاغه با ترجمه دکتر سیدجعفر شهیدی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ هشتم: ۱۳۷۴ هـ.ش، ص ۲۴۲
- ۹۱- ابن ابی الحدید، عزالدین، شرح نهج البلاغه منشورات مکتبه آیه الله العظمی النجفی المرعشی، قم: ۱۴۰۴ هـ.ق (افست از دار احیاء الکتب العربیه) ج ۱۱، ص ۴۱
- ۹۲- ابن حنبل، احمد: مسند، دارالفکر، بیروت، (با کنز العمال در حاشیه) بی تا، ج ۳ ص ۱۶۶
- ۹۳- ما اعراف شیئا مما کان علی عهد النبی (ص) قبل الصلاه قال ایس ضیعت ما ضیعتم فیها، صحیح البخاری، ج ۱، ص ۲۴ (از چاپ دارالفکر ۱۴۰۱ خ.ق) و مسند احمد، ج ۳، ص ۱۰۱
- ۹۴- صحیح البخاری، ج ۱، ص ۱۳۴ (همان چاپ)
- ۹۵- التفسیر الکبیر، ج ۱، ص ۲۰۶ و ر.ک. حقایق مهم... ۳۱۴. به نقل از نیشابوری در غرائب القرآن
- ۹۶- القرآن الکریم و روایات المدرستین، ج ۲، ص ۶۱
- ۹۷- ر.ک پی نوشت شماره ۳۴
- ۹۸- روح المعانی... ج ۱، ص ۳۹، رشید رضا تغییر مذهب وی از شافعی به حنفی را جهت تقرب به حکومت دانسته ر.ک. المنار، ج ۱، ص ۹۰
- ۹۹- روح... ج ۱، ص ۴۵ و المنار، ج ۱، صص ۹۴-۹۰ باگزیشت